

## باسمه تعالی

عنوان درس:	درس خارج فقه الصلاة	سال تحصیلی: ۱۳۹۹- ۱۴۰۰	تاریخ درس:	۱۳۹۹/۷/۵
عنوان فرعی ۱	فقه الصلاة			
عنوان فرعی ۲	جلسه هفتم			
عنوان فرعی ۳	بررسی دلالتی حدیث دوم			
مقرر:	حجت الاسلام والمسلمین اصغر حیدری			

### حد تقصیر :

در روایت مربوط به حد تقصیر بحث کردیم در رابطه با طائفه اولی بحث کردیم

گفتیم طائفه اولی روایتی بود ، که ازش استفاده کردیم ، اون حدی که موضوع است برای وجوب تقصیر حد مکانی است و اگر حد زمانی بیان شده است ، به عنوان طریق به حد مکانی بوده است

آخرین روایت ، روایت دوم از فضل بن شاذان بود که بحث او مطرح شد

اما روایت بعدی روایت پنجم از طائفه اولی است

### روایت پنجم:

ما رواه الشيخ باسناده عن :

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مُحَبُّوبٍ عَنْ أَحْمَدَ عَنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحَسَنِ عَنْ زُرْعَةَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُسَافِرِ فِي كَمْ يُقْصَرُ الصَّلَاةُ فَقَالَ فِي مَسِيرَةِ يَوْمٍ وَ ذَلِكَ بِرِيدَانٍ وَ هُمَا ثَمَانِيَةُ فَرَسَخٍ وَ مَنْ سَافَرَ قَصَرَ الصَّلَاةَ وَ أَفْطَرَ إِلَّا أَنْ يَكُونَ رَجُلًا مُشِيعًا<sup>١</sup> أَوْ خَرَجَ إِلَى صَيْدٍ أَوْ إِلَى قَرْيَةٍ لَهُ يَكُونُ مَسِيرَةَ يَوْمٍ بَيْتٌ إِلَى أَهْلِهِ لَا يُقْصَرُ وَ لَا يُفْطَرُ.<sup>٢</sup>

<sup>١</sup> (١) في الاستبصار (مشيعا لسلطان جائر) و هو الانسب و كأنه ستطعن قلم المصنف (ره) أو من النسخ.

<sup>٢</sup> وسائل الشيعة / ج ٨ / ٤٥٣ / ١ - باب وجوب القصر في بريدين ثمانية فراسخ فصاعدا أو مسيرة يوم معتدل السير

## بررسی سند :

از نظر سندی رجال سند همگی ثقه است ، سند شیخ که محمد ابن علی ابن محبوب است هم سندی صحیح است

سندی شیخ این است ، آنچنان که در فهرست شیخ آمده است

سند شیخ به جمیع کتب محمد بن علی ابن محبوب میفرماید : جماعه عن الصدوق (محمد بن علی ابن حسین است عن ابیه و محمد بن الحسن عن احمد بن ادريس ... عن المحمد بن حسن عن احمد بن ادريس)

((گفتیم که جماعه شیخ ابن قولیه و مفید و بزرگانی هستند که قطعاً ثقه هستند))

محمد بن الحسن میتواند اینجا هم محمد بن حسن ابن ولید باشد هم محمد بن الحسن الصّفار که هر دو ثقه هستند

گرچه شاید به قرینه ابیه به محمد بن الحسن بن ولید سازگار است تا دیگران به هر حال محمد بن الحسن ثقه است

عن احمد بن ادریس که ایشان هم از اجلاء ثقه است ، به محمد ابن علی  
ابن محبوب و ایضا ایشان هم از اجلاء ثقات است

پس سند شیخ به ابن محبوب بدون اشکال است و از لحاظ سندی کاملا  
صحیح است ؛ بنابراین سند شیخ به محمد بن ابن محبوب همگی از  
ثقات هستند

### دلالت روایت :

این روایت هم بر موضوعیت حد مکانی و طریقت حد زمانی ظاهر  
است به نظر ما

روایت چنین است:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُسَافِرِ فِي كَمْ يُقْصِرُ الصَّلَاةَ

اصلا سوال از حد تقصیر است، **فی کم** اصلا سوال از حد تقصیر است

پس کمیتی است که موجب حد تقصیر میشود

فَقَالَ فِي مَسِيرَةِ يَوْمٍ وَ ذَلِكَ بِرِيدَانٍ وَ هُمَا ثَمَانِيَةُ فَرَاسِخَ

به دو دلیل روایت باید ظهور در موضوعیت حد مکانی داشته باشد :

۱- حضرت وقتی مسیره یوم را بیان کرد ، بعد از آن تطبیق به ثمانیه

فراسخ و بریدان کردند که هر دو حد مکانی هستند(اینکه حضرت مسیره یوم را به بریدان یا ثمانیه فراسخ تفسیر کند و نه بعکس ، معلوم میشود که موضوعیت به بریدان و ثمانیه فراسخ است و این دو نیاز به تفسیر ندارد و مسیره یوم اجمال دارد و در نتیجه احتیاج به تفسیر دارد و نه بریدان ، پس معلوم میشود که بریدان و ثمانیه فراسخ حد اصلی تقصیر است و اگر حد دیگری مثل مسیره یوم ذکر میشود به لحاظ انطباق این مسیره یوم بر حد مکانی ذکر میشود)

۲- نکته دوم: عدم اکتفاء به مسیره یوم با این که سوال از حد است

(سوال این است که : **فِي كَمْ يُقَصِّرُ الصَّلَاةُ**)مسافر در چه حدی اگر در سفر بود ؛ نمازش قصر است ؟ اگر مسیره یوم در پاسخ کفایت میکرد و طریقت نداشت جا داشت که حضرت اکتفاء کند به مسیره یوم ، عدم اکتفاء حضرت به مسیره یوم قرینه ی دیگری است که ؛ آن چیزی که موضوعیت دارد و ملاک اصلی در وجوب تقصیر است چیست ؟ به نظر ما ملاک حد مکانی است

که همان ثمانیه فراسخ باشد فلذا لا شک در ظهور روایت در

طریقیت مسیره یوم برای ثمانیه فراسخ

**نکته:** مفسّر اصل نیست، بلکه مفسّر اصل است

نکته: خود مسیره یوم و هشت فرسخ فی ذاتهما قرینه بر این هستند که اونی که نیاز به تفسیر دارد مسیره یوم است و چیزی که نیاز به تفسیر ندارد ثمانیه فراسخ است زیرا که مسیره یوم است که کم و زیاد دارد چون کسی ممکن است، با وسیله تندرو برود یکی با وسیله کند رو

پس ذات مسیره یوم مجمل است و نیاز به توضیح دارد بخلاف ثمانیه فراسخ که خودش واضح و مبرهن است

روایت ششم:

روایت شیخ باسناده عن علی بن حسن بن الفضّال عبدالرحمن ابن ابی نجران عن صفوان بن یحیی عن قیس بن القاسم عن ابی عبدالله:

أَخْبَرَنِي أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِوْنٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ الزُّبَيْرِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ  
عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ  
اللَّهِ ع قَالَ: فِي التَّقْصِيرِ حَدُّهُ أَرْبَعَةٌ وَ عِشْرُونَ مِيلًا<sup>۲</sup>

گفته ایم اربعه وعشرون ميلا همان ۸ فرسخ است ، چون هر فرسخی سه  
ميل است اين مساله در روايت ديگر هم تفسير شده است ، كه هر  
فرسخی سه ميل است اربعه وعشرون ميلا يعنى هشت فرسخ  
پس در اين روايت هم حد مكاني ملاك قرار گرفته است و نه حد زماني  
وما موضوعيت حد مكاني را از اين روايت استفاده ميكنيم

**سوال:** اثبات شی نفی ما عدا نمیکند ؛

**جواب:** وقتی كه عبارت حد گفته ميشود يعنى مرز نه جلو تر و نه عقبتر ، و  
اين عبارت ظهور دارد كه اربعه وعشرون ميلا حد است اگر چيز ديگري  
بود بايد با قرينه بيان ميشد

ما با اين روايت كار داريم ، و ايشا دو چيز حد قرار نميگيرند وقتي كه  
روايت دارد خط ميكشد براي ما ، يعنى نه بيشتر نه كمتر از اين ميزان

**خلاصه:** ما استفاده موضوعیت حد مکانی از این روایت کردیم در این

روایت چیزی بیشتر از حد مکانی بیان نشد

بررسی سندی روایت :

اما بررسی سند شیخ به علی بن حسن ابن الفضال این است که چون دارد  
الشیخ باسناده عن علی بن حسن ابن فضال سائر اشخاص همه ثقه  
هستند

اما این سند را باید بررسی کنیم :

سند شیخ به علی ابن حسن الفضال این است ، آنچنان که در مشیخه  
تهذیب واستبصار وهمچنین فهرست آمده است

أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِوَيْهِ (المعروف بابن الحاشر) سماعاً منه و اجازة عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ  
الزُّبَيْرِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى  
عَنْ عِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع

اشکالی که به سند علی ابن حسن بن فضال وجود دارد در همین علی بن  
محمد بن الزبیر است که گفته میشود ایشان توثیق ندارد و لذا محل



اشکال است و لذا سند شیخ به علی بن الحسن فضال فی نفسه اشکال دارد

لکن میشود رفع اشکال کرد از این بخش سند با طریقه تعویضی که قبلاً بحث کردیم

چون سند شیخ به علی بن الحسن ابن فضال این بود

عَلِيّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ  
عِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع

خوب شیخ به صفوان بن یحیی سند دارد به جمیع روایات و این سند صحیح است خوب وقتی که شیخ به صفوان بن یحیی سند دارد به جمیع روایاتش، خوب این روایت را خود شیخ از صفوان بن یحیی روایت کرده است، پس این روایت هم جزو روایات صفوان بن یحیی محسوب میشود پس میتوان بخش مقدمی سند را حذف کنیم، سند شیخ به جمیع صفوان را جایگزین کنیم و روایت شیخ به صفوان آن چنان که در فهرست نقل کرده است این چنین میفرماید :

جماعه عن محمد بن علی ابن الحسین عن محمد بن الحسن عنه که  
گفتیم که این سند درست است چون که صدوق است و بعد محمد بن  
الحسن است وعنه

پس سند، سند صحیحی است ؛ علی الرغم اینکه در سند شیخ به ابن  
فضال اشکال داشتیم لکن میشد با تبدیل سند شیخ به صفوان بن یحیی  
که بعد از علی ابن الحسن ابن فضال آمده است ، این تعویض را انجام  
داد ، چون شیخ به جمیع روایات صفوان سند صحیح دارد پس اشکال  
سندی این روایت هم حل است

روایت هفتم :

روایت شیخ باسناده عن علی ابن الحسن الفضال ... و هارون بن مسلم  
جمیعا .. عن محمد ابن ابی عمیر عن عبدالرحمن ابن حجاج

و عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ  
عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي حَدِيثٍ قَالَ: قُلْتُ لَهُ كَمْ أَذْنَى مَا  
يُقَصَّرُ فِيهِ الصَّلَاةُ قَالَ جَرَتْ السُّنَّةُ بَيَاضٍ يَوْمٍ فَقُلْتُ لَهُ إِنَّ بَيَاضَ يَوْمٍ يَخْتَلِفُ يَسِيرُ  
الرَّجُلُ خَمْسَةَ عَشَرَ فَرَسَخاً فِي يَوْمٍ وَ يَسِيرُ الْآخَرُ أَرْبَعَةَ فَرَسَخٍ وَ خَمْسَةَ فَرَسَخٍ فِي يَوْمٍ

قَالَ فَقَالَ إِنَّهُ لَيْسَ إِلَى ذَلِكَ يُنْظَرُ أَمَا رَأَيْتَ سَيْرَ هَذِهِ الْأَمْيَالِ بَيْنَ مَكَّةَ وَالْمَدِينَةِ -  
ثُمَّ أَوْمَأَ بِيَدِهِ أَرْبَعَةً وَ عَشْرِينَ مِيلًا يَكُونُ ثَمَانِيَةَ فَرَاسِخٍ.<sup>٤</sup>

حداقل وجوب تقصیر چیست؟ گفت که جرت السنة ببياض يوم

عرضه داشت آقا جان مسیره يوم مختلف است برای انسانهای مختلف

، شخصی ممکن است ۱۵ فرسخ در یک روز مسافرت کند و شخص

دیگری ممکن است ۴ فرسخ

حضرت در اینجا به صراحت فرمود: نظر به سیر های پراکنده نیست بلکه

نظر به سیر اثقال است و ایشان سیر اثقال را تفسیر کرده است، پس باز

ملاک را حضرت هشت فرسخ گرفتند پس ملاک هشت فرسخ یا اربعة

وعشرون ميلا است پس از سياق عبارت استفاده میشود که آنچه ملاک

اصلی است ثمانية فراسخ

سوال:

او ما بیده یعنی چه؛ که حضرت با دستشان نشان دادند

وسائل الشیعة / ج ۸ / ۴۵۵ / ۱ - باب وجوب القصر في بریدین ثمانية فراسخ فصاعدا أو مسيرة يوم معتدل السير ..... ص : ۴۵۱<sup>٤</sup>

یعنی اینکه حضرت با حرکات دستش نشان دادند که چطور میلها طی  
میشود مثلا میلا و میلا و میلا

مشکل سندی این روایت هم نظیر مشکل سندی سابق است چون در  
اینجا هم الشیخ عن علی بن الحسن ابن الفضال است که گفتیم دراین  
روایت هم علی بن محمد ابن زبیر دراین روایت است لکن تصحیح این  
سند به روش سابق است منتها در قبل تعویض به سند صفوان بن یحیی  
بود اینجا سند شیخ را به سند محمد بن ابی عمیر میاوریم

ما در آنجا روایت صفوان بن یحیی را تعویض کردیم در اینجا به محمد  
بن ابی عمیر روایت را تعویض میکنیم

چون شیخ به همه روایات محمد بن ابی عمیر روایت دارد و روایتش همه  
صحیح است، پس با تعویض این روایت هم صحت خواهد یافت  
ظهور در اینجا هم ظهور قوی است که ملاک اقوی، حد مکانی است نه  
حد زمانی

